



با آنکه هارون در عرصه سیاست آن روز، چهره موفق‌ی بشمار می‌رفت، و یکی از زمامداران معدودی بود که باشگردهای گوناگون سیاسی، توانمند تا آخر عمر بر کشور پهناور اسلامی حکمرانی‌کننده، اما فقط در یک جبهه باناکامی رو برپا شد، و با وجود آنکه همه تاکتیک‌ها را در این جبهه آزمایش کرد، اما همه این کوششها تقریباً بی‌ثمر بود. این جبهه، جبهه تشیع و پیروان امامت بود که در رأس آن، پیشوای وارسته و برجاذبه‌ای همچون امام موسی بن جعفر (ع) قرار گرفته بود.

نشانه شکست هارون در این جبهه این است که وی در سال ۱۷۰ هجری به خلافت رسید (۱) و تا سال ۱۷۹ همه امکانات و نیروها را برای درهم کوبیدن شیعیان و سادات علوی به کار گرفت ولی سرانجام احساس کرد تا زمانی که مرکز رهبری این جبهه را از کار نیندازد همه کوششها بی‌فایده خواهد بود از این رو تصمیم به اعمال قدرت - رمورد شخص امام کاظم (ع) و بازداشت آن حضرت گرفت، و این نشانه ناتوانی او در مقابله با فعالیت‌های پیشوای هفتم بشمار می‌رفت زیرا او نمی‌خواست به این شکل و به صورت بی‌پرده با آن

حضرت رودر و قرار گیرد. اوتا آن روز، امیدوار بود باروش‌های کم خطر، اقدامات امام کاظم (ع) را خنثی سازد ولی همه راهها را بدروی خود بسته می‌دید و در بن بست قرار گرفته بود، از این رودسفری که به مدینه کرده بود، دستور بازداشت امام هفتم را صادر کرد.

* * *

انگیزه‌های سیاسی

انگیزه‌های گوناگونی محرک این اقدام هارون بشمار می‌رفت که مهمترین آنها حفظ حکومت و قدرت خویش از خطراتی بود که از ناحیه شیعیان آنرا تهدید می‌کرد. اومی دانست که موسی بن جعفر (ع) و پیروانش، وی را غاصب خلافت پیامبر و مامدار متمگری می‌دانند که بازو و قدرت سرنوشت مسلمانان را در دست گرفته است، و اگر روزی قدرت رزمی با او را به دست آورند، در نابودی حکومت او لحظه‌ای درنگ نخواهند کرد.

روزی هارون (شاید به منظور آزمایش، و آگاهی از آرمانهای پیشوای هفتم) به آن حضرت اعلام کرد که حضرات «فدک» را به او برگرداند امام فرمود:
در صورتی حاضر فدک را تحویل بگیرم که آن را با تمام حدود و مرزهایش پس بدهی.
هارون پرسید: حدود آن کدام است؟

فرمود: اگر حدود آن را بگویم هرگز باز پس نخواهی داد.

هارون اصرار کرد و سوگند یاد نمود که این کار را انجام خواهد داد.

امام ناگزیر حدود آن را چنین تعیین فرمود:

حد اول آن، عدن!

حد دوم سمرقند!

حد سوم آفریقا!

و حد چهارم مناطق ارمنیه و بحر خزر است!

هارون که باشنیدن هر یک از حدود، تغییر رنگ می‌داد و به شدت ناراحت می‌شد، باشنیدن حدود چهارگانه نتوانست خود را کنترل کند و با خشم و ناراحتی گفت: با این ترتیب چیزی برای ما باقی نمی‌ماند.

امام فرمود: «می‌دانستم که نخواهی پذیرفت و به همین دلیل نمی‌گفتم (۲) امام با این پاسخ می‌خواست به هارون بگوید: فدک رمز مجموع قلمرو حکومت اسلامی است و اگر بنا

شد حق ما را به خود ما برگردانید ، باید همه قلمرو حکومت اسلامی را در اختیار ما بگذارید .

این گفتگو، هدف‌های بزرگ‌امام‌را بخوبی نشان‌می‌داد و هیچ ابهامی برای هارون باقی نمی‌گذاشت .

گزارش‌های رسیده به هارون نیز این معنی را تأیید می‌کرد زیرا گزارشاتی به وی می‌رسید حاکی از اینکه از مناطق مختلف، خمس و اموال متعلق به بیت‌المال برای او فرستاده می‌شود (۳) و حتی برخی از رجال مورد علاقه هارون، خمس اموال خود را به آن حضرت می‌پردازند .

* * *

توطئه جنایتکارانه

این عوامل کافی بود که هارون را برای اجرای نیت شومی که در سر داشت، مصمم سازد، ولی حوادثی نیز اتفاق می‌افتاد که وی را در این زمینه مصمم‌تر می‌ساخت، از آن جمله می‌توان تحریکات و سعایت‌های «یحیی بن خالد برمکی» وزیر هارون را نام برد. یحیی در فرصت‌های گوناگون، هارون را از محبوبیت روزافزون و افزایش پیروان امام موسی بن جعفر (ع) بر حذر می‌داشت و او را تشویق به شدت عمل می‌کرد .

انگیزه او در این کار این بود که هارون، پرورش و نظارت بر تربیت پسر و ولیعهد خود «محمد امین» را به «جعفر بن محمد بن اشعث» سپرده بود (۴) یحیی از این موضوع ناراحت بود و بیم داشت که اگر پس از هارون، قدرت به محمد امین انتقال یابد، طبعاً جعفر بن محمد، وزیر او خواهد بود و زمام امور حکومت به دست او خواهد افتاد و در نتیجه ستاره قدرت و نفوذ یحیی و خاندان او روبه افول خواهد رفت (۵)

از طرف دیگر یحیی می‌دانست که جعفر گرایش به تشیع دارد و از پیروان موسی بن جعفر (ع) است. از این رو مرتباً به هارون گزارش می‌داد که موسی بن جعفر، پنهانی سرگرم

۳- الفصول المهمه: ابن صباغ مالکی ص ۲۲۱ مقاتل الطالبین ص ۱۳۴- نور

الابصار ص ۱۵۱ بحار الانوار ج ۴۸ ص ۲۳۲

۴- هارون وصیت کرده بود که پس از مرگ او ابتداء محمد امین و سپس مأمون به

خلافت برسند .

۵- مقاتل الطالبین ص ۳۳۳- بحار ج ۴۸ ص ۲۳۱ و ۲۰۷

گردآوری مردم و بسیج نیرو و در صدد برانداختن حکومت اوست، وعده‌ای از رجال سرشناس و از آن جمله «جعفر بن محمد بن اشعث» با او همکاری دارند و خمس اموال خود را به او می‌پردازند (۶)

این تحریکات اثر خود را بخشید و دل هارون را از کینه پشوی هفتم لبریز ساخت و به دنبال آن (چنانکه اشاره شد) امام کاظم (ع) در کنار حرم پیامبر (ص) بازداشت گردید و به بصره منتقل و در آنجا زندانی شد. پس از یک سال به بغداد انتقال یافت و تا سال ۱۸۳ هجری در بغداد در زندان‌های مختلف بسربرد.

* * *

دستور محرمانه !

با وجود آنکه پشوی هفتم از سال ۱۷۹ در بازداشت بسر می‌برد، باز هارون از ناحیه او احساس خطر می‌کرد زیرا او را نقطه امید روشنی می‌دانست که چشم مردم محروم و ستم کشیده، از چهار گوشه کشور، به سوی او دوخته شده است، و آرمانها و افکار مخالفان حکومت وی، در وجود او تبلور یافته است.

سرانجام در سال ۱۸۳ هارون طبق روال نفرت انگیز همیشگی زمامداران مزور، که دشمنان بزرگ خود را با وسایل ناجوانمردانه و پنهانی سر به نیست می‌کنند، (و بعد در تشییع جنازه آنان حاضر شده بسان تمساح اشک می‌ریزند!) مخفیانه دستور «مسموم کردن» امام را صادر کرد و این دستور توسط رئیس شرطه بغداد یعنی «سندی بن شاهک» بمورد اجرا گذاشته شد (۷)

آری امام در مسمومیت، به شهادت رسید، اما شهادت او برای حکومت هارون پایان ماجرا نبود بلکه آخرین پرده این تراژدی حکایت از آشفتگی و وحشت مزدوران هارون، و تلاش مذبحخانه آنان برای از بین بردن آثار این جرم می‌کند آنان برای پوشاندن آثار این جنایت بزرگ، گروهی از فقها و رجال درباری بغداد را که به گفته «ابن شهر آشوب»

۶- مروت اخیر

۷- نورالابصار ص ۱۵۱- بحار ج ۴۸ ص ۲۲۷ الفصول المهمه ص ۲۲۲ - دلائل

الامامه ص ۱۴۸ الصواعق المحرقة ص ۱۲۲- بنا بر آنکه شهادت امام در سال ۱۸۳ هجری باشد مدت زندان چهار سال خواهد بود، ولی در بعضی از منابع تاریخی بیش از این نقل شده است.

هشتاد نفر بودند (۸) به عنوان گواهان عادل! به زندان برده گفتند: بیکرموسی بن جعفر را خوب ببینید و گواه باشید که او کوچکترین صدمه و ضربه‌ای ندیده و با مرگ طبیعی از دنیا رفته است !! (۹) و این کار را هنگام حمل جنازه برای دفن، در حضور انبوه عابران نیز تکرار کردند. (۱۰)

اما گویا این تلاشها همه بی ثمر بود و آنانکه می‌بایست بدانند، دانستند که جریان از چه قرار بوده است، به دلیل اینکه هارون به «سلیمان بن ابی جعفر» که جنازه آن حضرت را از دست عملة ظلم هارون گرفته با احترام به خاک سپرد، پیغام فرستاد:

خداوند سندی بن شاهك را لعنت کند، او این کار را بدون اجازه من انجام داده است !! (۱۱)

پایان

۸- مناقب ج ۴ ص ۳۲۷

۹- دلائل الامامة: محمد بن جریر طبری ص ۱۴۸- کشف الغمه ج ۳ ص ۲۴- الفصول

المهمه ص ۲۲۲- نور الابصار ص ۱۵۱

۱۰- کشف الغمه ج ۳ ص ۲۴- بحار ج ۴۸ ص ۲۴۸

۱۱- بحار الانوار ج ۳۴۸، ۲۲۷ بنقل از عیون اخبار الرضا

★ شیعه باعث بقای اسلام در شرق است

«یکی از دانشمندان فرانسه می‌نویسد: سرنا بود شدن اسلام در غرب اسپانیا، و بقاء آن در شرق این است که اسلام غرب را فقط امویها تشکیل دادند، و همان ظواهر اسلام در آنجا حکومت می‌کرد. این بود که در برابر جنبش نصرانیت، و تشکیلات آنها اساس بهم فروریخت، و مضمحل شد ولی در شرق چون رشته‌ای از تعلیمات معنوی اسلام در میان پیروان علی‌عیه- السلام بنام «شیعه» بود توانسته است چندین قرن در برابر نیروهای توانای غرب باشد.

مقدمه کتاب تاریخ آل محمد (ص) تألیف

محقق شهیر « بهلول بهجت افندی »